



فهرست مطالب

۲	سرمقاله
۳	تأثیر انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی
۵	سخنان رهبر سوریه درباره انقلاب اسلامی
۶	شم النسیم یا جشن بهار
۷	معرفی یک کشور
۹	مصاحبه
۱۱	مقالات دانشجویان خارجی

صاحب امتیاز: دفتر امور بین الملل و سرپرستی

دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه شیراز

تلفن: ۰۷۱۱-۶۴۶۰۴۳۰

دورنگار: ۰۷۱۱-۶۲۸۶۴۴۶

Email: Suiro@shirazu.ac.ir



مقاله



از دیر باز و از گذشته های بسیار دور ملل و دولتهای مختلف سعی بر آن داشته اند تا به نحوی از انحاء از دانش و تجربیات یکدیگر برخوردار و بهره مند گردند. گاه این میل به برقراری روابط نیک و حسنه میان دول شده و باعث گردیده تا آنان به تبادل علم و فن بایکدیگر بپردازند و گاه این میل بدان حد بوده است که دانشمندان و عالمان حتی با توسل به زور به دربار شاهان فراخوانده شده اند. تداوم این میل به استفاده از دانش و تجربیات در طول قرون و اعصار به اشکال مختلف از سوی دولتهای جهان بروز داده شده است. امروزه نیز به یمن پیشرفتهای حاصله در عرصه ی علم و دانش شاهد گسترش روز افزون انواع ارتباطات میان ملتها هستیم. این ارتباطات چه در قالبهای سیاسی و چه در قالبهای غیر سیاسی در میان ملل مختلف جهان مطرح می باشد. یکی از ابزارهای برقراری این ارتباط تبادل دانشجو و استاد میان کشورهای مختلف می باشد، این تبادل می تواند هم به صورت سخت و به صورت هم نرم انجام گیرد. در حالت اول دانشجو یا استاد با مسافرت به کشورهای دیگر امر انتقال علم و دانش را از کشوری به کشور دیگر انجام می دهد و حالت دوم دانشجو از طریق ابزارهای موجود همچون اینترنت به کسب علم و استفاده از محضر اساتید می پردازد، کما اینکه در سالهای اخیر آموزش از راه دور توسط دانشگاههای معتبر جهان مورد توجه قرار گرفته و با استقبال روز افزون دانشجویان نیز مواجه گردیده است. این نوع ارتباط نیز همچون هر رابطه ی دیگری آفات و آسیبهای خاص خود را دارد چنانچه به کرات از سوی کشورهای استعمارگر مورد سوء استفاده قرار گرفته و به عنوان وسیله ای در جهت پیشبرد اهداف استعماری آنان استفاده شده است. از شیوه های مورد توجه استعمار نوین برای بسط و گسترش فرهنگ و ارزشهای مورد نظر خویش، استفاده از این امکانات بوده که در جای خود قابل بحث و تأمل می باشد.

به هرحال این ارتباط رو به رشد چند سالی است که از سوی کشورهای منطقه ی خاورمیانه نیز مورد توجه قرار گرفته است و در این میان کشور جمهوری اسلامی ایران از جمله کشورهای مطرح منطقه در امر پذیرش دانشجو از نقاط مختلف جهان به شمار می آید. بخصوص که ایران مهد تاریخ و ادبیاتی کهن است که ایاتی از آن منقوش بر سر در بزرگترین سازمان بین المللی جهان می باشد (سازمان ملل متحد) با توجه به این مهم و به میمنت سی و یکمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه شیراز بر آن شدند تا با ایجاد گاهنامه ای تحت عنوان ” گاهنامه ملل ” همگام با دانشجویان ایرانی هم در فعالیتهای فرهنگی دانشگاه شیراز سهم شده و هم امتداد دهنده ی این ارتباط باشند و گامی را در این راستا بردارند.

با عنایت به روابط حسنه ی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای متبوع هریک از دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه شیراز، نشریه حاضر سعی برآن دارد تا در راستای تحکیم این روابط در سطح دانشجویی به معرفی کشورهای متبوع دانشجویان غیر ایرانی و نیز دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه مذکور پرداخته و با بیان مشترکات موجود میان این کشورها و ملتها با جمهوری اسلامی ایران و ملت شریف ایران زمینه ی همکاری هرچه بیشتر دانشجویی را فراهم آورد. همچنین تلاش این نشریه بر آن است تا از فعالیتهای انجام شده توسط دفتر روابط بین الملل و دفتر سرپرستی دانشجویان غیر ایرانی دانشگاه شیراز قدردانی نماید.

امیدواریم که این گام هرچند کوچک که برداشته شدن آن مصادف و مقارن با دهه ی مبارکه ی فجر گردیده است در سالهای آینده امتداد یافته و محلی شود برای ارائه نظریات دانشجویان غیر ایرانی مشغول به تحصیل در دانشگاه شیراز و بستری را برای برقراری روابط هرچه بیشتر میان دانشجویان ایرانی و غیر ایرانی فراهم نماید.

در پایان بار دیگر فرارسیدن این ایام را به کافه ی ملت شریف ایران و امت اسلامی تبریک و تهنیت عرض نموده و تداوم اقتدار، عزت و سرافرازی دولت و ملت ایران را از خداوند منان مسئلت می نمایم.



ماهیت انواع انقلاب ها



برخی از انقلاب ها به دلیل ماهیت ایدئولوژیک محدود خود، صرفاً یک حرکت در چارچوب مرزهای یک کشور بوده، دیدگاه فراملی ندارند. این موضوع در مورد انقلاب هایی که رنگ ملی گرایی دارند، به خوبی مشهود است. آنها در مبارزه بر ضد استبداد و در قالب حفظ منافع ملی و قومی، دست به انقلاب زده، به هیچ وجه، حساسیتی بر ملت ها و کشورهای دیگر ندارند، اگر چه ممکن است به طور غیر مستقیم ملت های همجوار را نسبت به منافع ملی شان و نیز وضعیتی که دارند آگاه سازند و به آنها جرئت و جسارت مبارزه بدهند. اما دسته ی دیگری از انقلاب ها به لحاظ داشتن ایدئولوژی فراملی، نه تنها به مسائل داخلی توجه دارند، بلکه به بسط اندیشه ی

انقلابی خود در فراسوی مرزهای ملی خود نیز می اندیشند. انقلاب هایی که داعیه ی جهانی دارند، اصولاً طرح و برنامه ای برای تمام جهان ارائه می کنند که این خود منبعث از ایدئولوژی این نوع انقلاب هاست. به عبارت دیگر، این انقلاب ها روحیه ی برون فکنی دارند و حتی این گونه بیان می شود که رهبران انقلاب شرط بقای انقلاب را ایجاد انقلاب در دیگر نقاط جهان می دانند تا به مثابه ی پشتوانه هایی برای رژیم انقلابی محسوب شوند. ایدئولوژی این نوع انقلاب ها دارای چارچوبی جهان شمول است و بر همین اساس، برای حصول اهداف خود، همواره به کل جهان نظر داشته، حرکت تاریخ را بر اساس منطقه ی خاص خود تعبیر و تفسیر می کنند و بر این اساس، تصویری از کمال و سعادت بشر ارائه می دهند و آن را به عنوان الگوی کامل و جامع به تمام جهان معرفی می کنند.

پدیده ی «صدور انقلاب» نیز از بحث مزبور منبعث می شود؛ یعنی یک رژیم انقلابی زمانی در پی صدور انقلاب و اصول و ارزش های آن به جهان خارج بر می آید که ادعای جهان شمولی داشته باشد. چنین نظامی دارای ایدئولوژی مبتنی بر فلسفه ی اجتماعی و سیاسی است و این فلسفه به طور مطلق و عام پذیرفته شده و به مثابه ی نسخه ای تلقی می شود که قابلیت تجویز برای ظرفیت های مکانی و جغرافیایی دیگر دارد.

از جمله دلایل ظهور پدیده ی صدور انقلاب در انقلاب های جهان شمول، این است که تحولات سیاسی در کشورها، به نسبتی می تواند کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، شعارهای انقلابی یک ملت برخاسته و خواستار دگرگونی، تأثیر مستقیمی بر نحوه ی زندگی و نیز حکومت کشورهای همسایه می گذارد و به دنبال بروز چنین پدیده ای، عده ای به مخالفت با انقلاب در کشور مادر، بر می خیزند و درصدد بر می آیند تا با سرکوب آن و شعارهایش، مانع نفوذ افکار و اندیشه های آن در کشور متبوع خود شوند. کشورهای انقلابی نیز برای حفظ دستاوردهای انقلاب خود، متقابلاً به اقدام می پردازند و به اتخاذ روش های گوناگونی برای صدور انقلاب مبادرت می ورزند؛ روش هایی که منبعث از روح حاکم بر ایدئولوژی آنهاست.

صدور ارزش ها و آرمان های انقلاب اسلامی

با توجه به مطالب مزبور، می توان گفت: انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست، به ویژه که این انقلاب با رویکرد ایدئولوژیک و سمت و سوی عقیدتی خود، به مثابه ی انقلابی اسلامی از توانمندی تأثیرگذاری بر گستره ی جغرافیای وسیع اسلام برخوردار است.

این انقلاب با تکیه بر بعد معنوی خود، تأثیر بسزایی در جهت گرایش نهضت های اسلامی به سوی تحقق اندیشه های اسلامی داشته است. این انقلاب نه تنها الگوی عینی جنبشی مردمی برای نهضت های شیعی منطقه به شمار می آید، بلکه حتی به طور عام تر، نمونه ای واقعی از انقلابی اسلامی را برای تمام مسلمانان جهان به نمایش گذاشته است. انقلاب ایران با الهام از ایدئولوژی اسلامی، که داعیه دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، طبیعی بود که نتواند در محدوده ی جغرافیایی ایران توقف نماید و می بایست پیام آن و امواجش در درجه ی اول، به ملل مسلمان کشورهای همسایه و سپس به همه ی ملل مستضعف جهان برسد.

بیداری اسلامی در جهان با ندای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران نقطه ی آغاز خیزش تفکر اسلامی است. در حالی که قرن بیستم با عقب نشینی اسلام، در پی ضعف و ناتوانی امپراتوری عثمانی آغاز شد. پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال های پایانی این قرن، آغاز دوره ی جدیدی از ظهور مجدد اسلام را نوید داد.

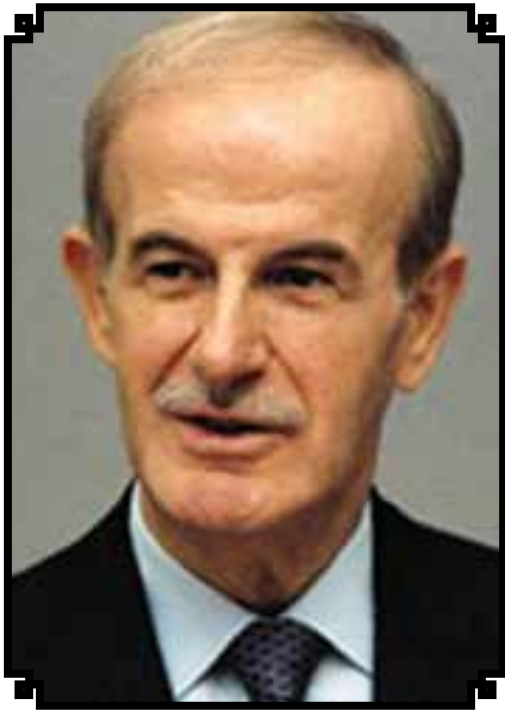
انقلاب اسلامی ایران بر اساس مبانی عقیدتی، که در درون خود پنهان کرده بود، از یک سو، واکنشی خشمگینانه نسبت به وضع موجود نشان داد و به نوعی نارضایتی از نظر موجود و جایگاه اسلام معاصر را به منصفی ظهور گذاشت، و از سوی دیگر، با طرح عقاید روشنگرانه، نارضایتی خود را نسبت به استراتژی در پیش گرفته شده ی دیگر جنبش های اسلامی برای رسیدن به مطلوب اسلام ابراز نمود و ندای رهایی از جریان حرکت تاریخ بر اساس مفروضات از پیش تعیین شده ی نوگرایی را سر داد که بر این اساس، هم خواهان افزایش توان مبارزاتی و تغییر الگوی عمل بود و هم جایگزین مناسبی برای رهایی از وضع موجود و گشایش وضع مطلوب داشت. روش حرکت اسلامی در ایران استفاده از نیروهای بالقوه و تبدیل این نیروها به حالت بالفعل و بسیج اندیشه های ذخیره شده در درون ملت های اسلامی با مدیریت همه جانبه و با توان حرکتی در حد اعلا و سرعتی به مراتب تندتر از سایر جنبش های اسلامی بود. بدین روی، این حرکت اسلامی به عنوان الگویی برای تلاش های ایدئولوژیک در میان سایر ملل اسلامی مورد ملاحظه قرار گرفت و موجب شد تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه ی عمل و چگونگی تعیین اهداف آنها صورت بگیرد. حرکت اسلامی در ایران، زمینه ی این ذهنیت را فراهم آورد که هنوز توان تصور آرمانی فراتر از آنچه در گذشته سایر حرکت ها در پیش گرفته بودند و امکان دگرگونی و بازگشت به آنچه «دوران طلایی اسلام» گفته می شود، وجود دارد و شاید اعتقاد به همین توانمندی بود که روحیه ی دیگر جنبش های اسلامی متأثر از انقلاب اسلامی را فزونی بخشید.

از این رو، می توان گفت: مهم ترین تأثیر انقلابی بر جهان اسلام و حتی در سطح وسیع تر و در ارتباط با مستضعفان کل جهان، در بعد افکار و ایدئولوژی است.

ایدئولوژی امام خمینی(ره) بامطرح کردن نتایج انحطاط اخلاقی، بی عدالتی اجتماعی - اقتصادی و از همه مهم تر، مسئله ی «افتخار، شأن و احترام» مسلمانان در مقابل دست درازی های سیاسی - فرهنگی ابر قدرت ها، مسلمانان را در یک سطح شخصی بسیار عمیق مورد خطاب قرار می دهد؛ او به مسلمانان می گوید که می توانند بحران های شخصی و وجودی خود را از طریق اعمال نظامی - سیاسی و حمله به رژیم های نامشروع و حامیان ابر قدرت آنها مرتفع سازند. همین پیوند پویا میان جراحات شخصی و روحی و برنامه های سیاسی با توسل به خشونت است که ایدئولوژی امام خمینی(ره) را به یک نیروی قوی مبدل می سازد. امام خمینی(ره) با درهم آمیختن قلمرو سیاسی و معنوی مسلمانان، این امکان را می دهد که دنیای در حال دگرگونی خود را با معنا سازند.

بدین سان، اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، موجی فراگیر سراسر جهان اسلام را فراگرفت و نه فقط مسلمانان، بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد؛ چرا که مخاطب امام، مستضعفان سراسر کره ی زمین بودند: باید این نهضت در تمام عالم، نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عالم گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه ی اول و الگو برای همه ی ملت های مستضعف است. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند. وعده ی الهی مستضعفین را شامل است و می فرماید که ما منت بر مستضعفین می گذاریم که آنها امام ما بشوند در دنیا و وارث باشند. امامت حق مستضعفین است. وراثت از مستضعفین است. مستکبرین غاصبند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند.





از سخنان ماندگار رهبر فقید سوریه درباره انقلاب اسلامی ایران

- انقلاب اسلامی ایران یک نقطه مشخص و نورانی در این منطقه و در این عصر می باشد، و ما انقلاب ایران را به خاطر شعارها و اهدافی را که دنبال می کند یک پیروزی برای خودمان یعنی کشورهای عربی بشمار می آوریم .
- بی شک باید گفت که انقلاب اسلامی ایران یک ضربه کاری به عمق سیاستهای امپریالیستی در این منطقه بود .

- انقلاب اسلام در ایران با تمام توان در کنار ما و در برابر اسرائیل متجاوز ایستاده است تا سرزمین هایمان را که اسرائیل اشغال نموده آزاد نمائیم و حقوق پایمال شده ملت فلسطینی را به او بازگردانیم .

- هیچگونه تناقضی و اختلافی بین ملی گرایی عربی و ملی گرایی ایرانی وجود ندارد ، ما با یکدیگر در حال مبارزه نیستیم و هیچ مورد اختلاف برانگیزی که باعث درگیری بین دو ملت شود وجود ندارد . همچنانکه بین قومیت عربی و اسلامی هیچگونه تعارضی وجود ندارد .

- ملت ایران است که انقلاب را آغاز نمود و اوست که شاه ایران را سرنگون کرد و اوست که رژیم شاهنشاهی را واژگون ساخت . هر گاه از ایرانیان از دوران رژیم گذشته سؤال کنید ، دردهایی را که طی دهها سال از حکومت شاهنشاهی متحمل شده برایتان بازگو می کنند . آنچه برای ما در درجه اول اهمیت قرار دارد این است که ملت ایران و هر ملت دیگری در جهان در بهترین شرایط زندگی کنند .

- امام خمینی (ره) با عظمت زیستند و دنیا را بسوی زندگی جاویدان با عظمت وداع گفت . او بهترین نمونه در ایمان و زهد بود ، و از ارزشهای اسلام دفاع جانانه ای کرد ، او پس از آنکه پرچم اسلام را برافراشت ، میلیونها نفر به او

لیبک گفتند. او در راه اسلام ، و آرمانها و عزت و سربلندی آن جهاد کرد ، او در جهاد خود رهبر انقلابی شد که تاثیرات آن در تمام نقاط جهان تا کنون باقی است .

- وجای بسی افتخار و اعتزاز است که مطمئن ترین وسیله ی ارتباطی بین کشورهایمان همان ارتباط رسالت آسمانی رسالت اسلام بزرگ که برایمان در قرآن کریم و تعالیم و اصول آن است ، که بهترین راه ها برای حرکت در راه مستقیم و حرکت در راه حق و عدالت و جهاد فی سبیل الله است .

- ما از روز اول پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در کنار آن ایستادیم همانگونه که انقلاب اسلامی ایران از آغاز شکل گیری اش در کنار ما ایستاد و مبارزه عادلانه ی ما را تایید و پشتیبانی نمود . ما انقلاب اسلامی را به عنوان نهضتی در نظر می گیریم که سرآغاز تحولی عظیم است، زیرا پرچم اسلام را برافراشته و در سایه این پرچم به پیروزی رسید تا ایران را در جایگاه طبیعی خود در کنار ملت هایی که با تجاوز متحدان استعمار و استکبار مواجه بوده و بر علیه آنها مبارزه می کنند، قرار گیرد .

شم النسیم یا جشن بهار

در مصر علیا، سوریه و لبنان

اگرچه در کشورهای عربی ظاهراً جشن نوروز وجود ندارد، ولی مردم مصر، سوریه و لبنان در آغاز بهار سنتهایی دارند که با آئین های بهاری ایران و کشورهای مجاور شباهت دارد و گویای آئینی تاریخی در حوزه تمدن کشورهای عربی است.

در مصر و به خصوص در مصر علیا همه مردم خواه مسیحی یا مسلمان جشنی برگزار می کنند که آنرا "شم النسیم" می نامند. این مراسم یک نوع جشن بهار است و اگر "شم النسیم" را تحت اللفظی ترجمه کنیم، معنی آن چیزی می شود مثل "هواخوری" یا بهتر بگوییم "از نسیم لذت بردن"

سلیمان توفیق شاعر و روزنامه نگار اهل سوریه درباره مراسم

بهاری در مصر علیا می گوید: "در این روز مردم از زن و مرد و کودک

و بزرگ برای خود نوشیدنی و غذا بر می دارند و از خانه بیرون می روند. آنها تمام روز را

در ساحل رود نیل بسر می برند. در آنجا آنها همه مردم با هم آواز می خوانند و می رقصند و

شادی می کنند. به نظر می رسد که این جشن بسیار قدیمی باشد، چرا که همه مردم آن ناحیه اعم

از مسیحی یا مسلمان آن را برگزار می کنند. شم النسیم همیشه در اواخر ماه مارس یعنی هفته اول

فروردین برگزار می شود، یعنی زمانی که سواحل نیل سرسبز و پر شکوفه می شود."

مراسم «شم النسیم» در مصر علیا به آئین های سیزده بدر نوروز ایران شباهت دارد. به

خصوص تهیه شیرینی و تعارف آن به همدیگر و همچنین رقص و موسیقی در روز جشن بهار در

سواحل نیل بشکل گسترده ای دیده می شود:

مصری ها این جشن را خیلی با شکوه برگزار می کنند. اولاً تمام روز را در خارج خانه به سر می

برند. هدفشان نزدیکی به طبیعت است. بعد مقدار زیادی نوشیدنی با خود بر می دارند تقریباً در همه

کشورهای شرقی تعارف شیرینی به دیگران و خوردن آن علامت شادی است.

در مصر سوریه و لبنان در موقع غم یا عزا هیچگاه شیرینی تعارف و یا خورده نمی شود ولی در روز

شم النسیم که مردم با هم جشن می گیرند خیلی شیرینی خورده می شود. و دیگر اینکه همه مردم با هم

جشن می گیرند. در آن روز گروه هایی تشکیل می شوند که به هم شیرینی و خوراکیهای دیگر تعارف می

کنند و بعد رقص دسته جمعی آغاز می شود. یک نوع رقص دایره که بیشتر مردها انجام می دهند و معنی

آن نشان دادن توان طبیعت است در ارتباط با طبیعت تازه بیدار شده است.

با وجود شباهت های زیاد با نوروز و سیزده بدر، شم النسیم تفاوت عمده ای با نوروز دارد چرا

که زمان برگزاری آن هر سال تغییر می کند ولی تقریباً همیشه در هفته اول فروردین برگزار می شود.

زمان این جشن در تقویم شمسی پیش بینی نشده است و روز برگزاری آن هر سال تغییر می کند.

بعضی از محققان معتقدند که عید پاک پیش از آنکه در مسیحیت پذیرفته شود یک جشن طبیعی بود

که با آغاز بهار رابطه داشت. عناصر امروزی عید پاک مانند آتش، تخم مرغ و سبزی با عناصر موجود

در جشن های بهاری کشورهای شرقی شباهت دارد. سلیمان توفیق می گوید که شم النسیم هم احتمالاً

ریشه در مصر باستان دارد.

به گفته او درباره این مسئله پژوهش هایی انجام گرفته و تصاویری پیدا شده که حکایت از



برگزاری این جشن در دوره باستان دارد.

در این کشورها روز ۲۱ مارس، یعنی اول فروردین نه تنها فرا رسیدن بهار جشن گرفته می شود، بلکه آن روز، روز مادر نیز است. این روز در سوریه و لبنان تعطیل رسمی است. در این روز فرزندان خانواده جشن بزرگی برای مادر خود برگزار می کنند و به او هدیه می دهند. غیر از این سنت خانه رویی و تمیز کردن خانه بصورت گسترده ای در سوریه و لبنان وجود دارد. مردم خانه ها را تمیز و آنرا سفید می کنند و این هم نماد نو شدن خانه برای مادر است.

جشن گرفتن برای مادر خانواده در ایام نوروز را می توان در برخی نقاط آسیای میانه نیز یافت. اگر چه این مراسم امروز دیگر اجرا نمی شود. مثلاً تا چند دهه پیش در پامیر در روز نوروز بزرگ به مادر خانواده یک شاخه بیدمشک هدیه می شد. بیدمشک خود نماد تنها الهه زن در ایران باستان است.

افغانستان

معرفی یک کشور:

این کشور در میان جنوب آسیا و آسیای میانه و خاورمیانه قرار دارد به همین خاطر یک موقعیت سوق الجیشی دارد. وسعت افغانستان ۶۵۲۰۹۰ کیلومتر مربع است. (چهل و یکم در جهان و یازدهم در قاره آسیا). افغانستان با کشورهای ایران، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، چین و پاکستان هم مرز است.

کشور افغانستان، همچون اغلب کشورهای آسیای میانه محصور در کوهستانها و خشکیها است. بیشتر مناطق این کشور کوهستانی است اما در جنوب و جنوب باختری، مناطق پستی نیز وجود دارد. افغانستان به بام آسیا معروف است. زیرا فلات پامیر و رشته کوه هندوکش از بلندترین ارتفاعات دنیا است.

• بلندترین نقطه: قله نوشاخ به بلندی ۷۴۸۵ متر از سطح دریا

• پست ترین نقطه: رود آمودریا به بلندی ۲۵۸ متر از سطح دریا

از منابع طبیعی کشور می توان به گاز طبیعی، نفت، زغال سنگ، مس، کرومیت، طلق (نوعی کانی شفاف به رنگهای سفید و سبز و خاکستری)، سولفات باریم، گوگرد، سرب، روی، آهن، نمک طعام و سنگهای قیمتی، اورانیوم و... اشاره کرد.

تقسیمات کشوری

تعداد ولایات افغانستان ۲۹ ولایت بود که بعد از روی کار آمدن دولت جدید برای توسعه بهتر مناطق محروم و نیز نفوذ بیشتر دولت در مناطق مختلف افغانستان، آقای کرزی ۵ ولایت به تعداد ولایت قبلی اضافه کرد که در کل تعداد ولایات به ۳۴ ولایت افزایش یافت.

جمعیت

بر پایه سرشماری مقدماتی کمیته ملی احصائیه کشور، جمعیت افغانستان در سال ۱۳۸۵، ۲۴ میلیون تن بوده است.

گفته می شود از این تعداد ۱۲۳۰۰۰۰۰ تن مرد و ۱۱۸۰۰۰۰۰ تن زن هستند. ۲۱/۷ جمعیت کشور شهرنشین می باشند.

گروه های نژادی

گروه های نژادی افغانستان عبارتند از: پشتون، تاجیک، هزاره، ازبک، ترکمن، اویماق، بلوچ، پشه یی، نورستانی، اسماری (گجر)، قزلباش ها و... تاجیکها بیشتر در نیمه شمالی کشور و هزاره ها در مناطق مرکزی کشور زندگی می کنند پشتونها در نیمه جنوبی کشور زندگی می کنند. قوم بلوچ در جنوب باختری، قوم های ازبک و ترکمن در شمال، و اقوام نورستانی و پشه یی در مناطق مرکزی و شرقی کشور به سر می برند.

دین ها و مذاهب

اکثریت مردم افغانستان مسلمان هستند.

مذاهب دیگری چون هندو و سیک نیز در افغانستان پیروانی دارد. پیش از جنگ های ۳۰ سال گذشته، اقلیتی یهودی نیز در افغانستان و به ویژه شهر هرات وجود داشتند که امروزه بیشتر آنان به اسرائیل رفته اند. همچنین بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر از پیروان مسیحیت در این کشور زندگی می کنند

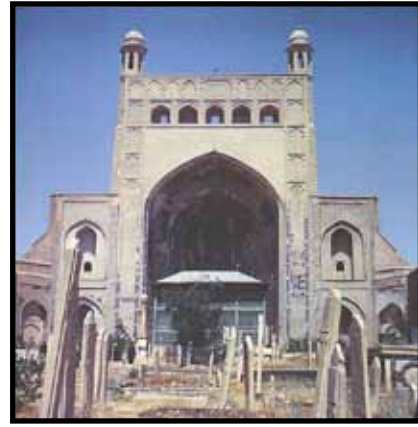
مردم افغانستان به یکی از زبان های فارسی دری، پشتو، زبان های ترکی (از جمله ازبکی و ترکمنی)، زبان کم گویش ورتتر (از جمله پشه یی، نورستانی و بلوچی) سخن می گویند. بر اساس قانون اساسی افغانستان، زبانهای پشتو و دری زبان های رسمی دولت افغانستان می باشند و در مناطقی که گویشوران زبانی دیگر زیاد باشند، آن زبان به عنوان زبان رسمی سوم تلقی می شود.

مقبره خواجه عبدالله انصاری معروف به پیر هرات در شهر هرات. مردم هرات به این عارف بزرگ قرن پنجم اعتقاد بسیار زیادی دارند.





منسوب به حضرت علی در مزار شریف در ولایت بلخ (ولایت بلخ زادگاه مولانا جلال الدین بلخی خالق مثنوی معنوی می باشد) مجسمه های بودا واقع در بامیان (یکی ۳۵ و دیگری ۵۳ متری) قبل و بعد از تخریب توسط طالبان مناره مربوط به دوره غزنوی در شهر غزنی در افغانستان



قلعه اختیار الدین که در سال ۳۳۰ هجری قمری توسط اسکندر ساخته شده است و در دوره های مختلف تخریب و بازسازی شده است. روضه سخی زیارت گاه



دانشجویان غیرایرانی دانشگاه شیراز برای دانشجویان خارجی دانشگاه شیراز اردوی یک روزه ای را در پیست اسکی پولاد



(شهر غزنی پایتخت سلسله غزنویان بوده است). در تاریخ ۱۳۸۸/۱۱/۸ دفتر روابط بین الملل و سرپرستی



اردوی یک روزه پیست اسکی سپیدان برگزار شد



کف سپیدان ترتیب داد که ۱۷ نفر از دانشجویان خارجی دانشگاه شیراز در آن حضور داشتند. پیست اسکی پولاد کف در ۱۵ کیلومتری جاده سپیدان قرار دارد که در آن خدمات متنوعی به ورزشکاران و گردشگران و بازدید کنندگان ارائه شده است از جمله: تله کابین که تا ارتفاع دو کیلومتری به ارتفاعات صعود می کند. پیست اسکی مخصوص اسکی بازان که حتی مسابقات اسکی نیز در آن اجرا می شود. ارایه وسایل اسکی و اسنومبیل و نیز امکانات رفاهی دیگر. مصطفی حسین به نمایندگی از دانشجویان خارجی شرکت کننده در این اردو می گوید برگزاری این گونه اردوها برای افزایش روحیه دانشجویان بسیار مفید

است. همچنین باعث می شود که این دانشجویان در محیطی دوستانه و صمیمی با همدیگر و همچنین فرهنگ و زبان و آداب و رسوم یکدیگر آشنا شوند. این دانشجو همچنین از روابط بین المللی و سرپرستی دانشجویان غیرایرانی دانشگاه شیراز برای هماهنگ کردن این اردو تشکر کرد.

مصاحبه با آقای ریو تارو ایکیدا دانشجوی

زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه اوساکی ژاپن

آقای ایکیدا جوان برومند ۲۱ ساله ای است که اخیراً برای یک دوره ۷ ماهه کار آموزی زبان و ادبیات فارسی به ایران و شهر شیراز سفر کرده است. او تقریباً دو هفته است که در شیراز به سر می برد و در مهمانسرای دانشگاه شیراز اقامت دارد. هر روز او به همراه یک استاد زبان فارسی "بابا آب داد" می خواند. او اکنون در صحبت کردن به زبان فارسی کمی مهارت پیدا کرده است و اگر نتواند منظور خود را بیان کند از زبان انگلیسی کمک می گیرد. با او مصاحبه کوتاهی انجام داده ایم که آن را با هم می خوانیم.



- آقای ایکیدا: چطور شد که به زبان فارسی علاقه مند شدید؟

- من میخواستم به جز زبان انگلیسی یک زبان دیگر را بخوانم. و از آنجایی که به تاریخ ایران علاقه داشتم و ایران را یک کشور خاص میدانم و همچنین می خواستم در مورد بانکداری اسلامی بیشتر بدانم تصمیم گرفتم زبان فارسی را بخوانم.

- چطور شد که تصمیم گرفتید به ایران سفر کنید؟

- دانشگاه اوساکی با دانشگاه شیراز یک قرارداد همکاری دارد و گاهی دانشجویان خود را برای دوره های کوتاه مدت به ایران می فرستد. من هم علاقه مند شدم که در این دوره آموزشی شرکت کنم. از طرفی استادم در مورد ایران چیزهای زیادی می گفت. و من می خواستم بدانم آیا این حرف ها واقعیت دارد یا نه.

- استادتان در مورد ایران چه چیزهایی می گفت؟

- چیزهای خوب و بد.

- می شود مثال بزنید؟

- خوب، مثلاً در مورد اینکه هواپیماها در ایران زیاد سقوط می کنند. من در خبرها هم در این باره می شنیدم. در سال گذشته ایران چندین سانحه سقوط هواپیما داشته است. وقتی که از تهران به سمت شیراز می آمدم بسیار می ترسیدم که مبادا هواپیما سقوط کند. خوب می دانیم که ایران به علت تحریم های آمریکا، نمی تواند هواپیماهای بویینگ و ایرباس نو یا قطعات آن را خریداری کند. این ناراحت کننده است.

همچنین در مورد مهمان نوازی ایرانی ها بسیار شنیده بودم. که واقعاً همینطور است. در اینجا ایرانی ها اگر یک خارجی را ببینند خیلی با او خوب رفتار می کنند. با او سلام می کنند، می پرسند از کجایی و احوال آدم را می پرسند. اگر هم به خانه ایرانی ها بروید به عالمه چیز می آورند برای پذیرایی. ایرانی ها خیلی مهربان هستند و خوب برخورد می کنند. مثلاً در ژاپن اگر یک خارجی وارد رستوران شود. ژاپنی ها با او صحبت نمی کنند. می دانید! از او اجتناب می کنند، ولی اینجا خیلی گرم برخورد می کنند.

- آقای ایکیدا شما به بانکداری اسلامی اشاره کردید. بانکداری اسلامی چه تفاوتی با

بانکداری غیر اسلامی دارد؟

- خوب، امروزه بانکداری اسلامی نسبت به بانکداری غیر اسلامی رشد خیلی خوبی کرده است. کشور هایی مثل مالزی و اندونزی از بانکداری اسلامی استفاده می کنند و در اقتصاد پیشرفت سریعی داشته اند. من فکر می کنم بزرگترین تفاوت آنها این است که در بانکداری اسلامی ربا نیست ولی در بانکداری غیر اسلامی سودهای کلانی را به صورت ربا از مشتریان

می گیرند که گاهی می تواند مشکل ساز شود.

- در مورد تاریخ ایران چه می دانید؟

- من در مورد تاریخ هخامنشی زیاد شنیده ام. ایران یک تمدن بسیار قدیمی دارد. من یک کتاب در مورد کورش نامه خریده ام که خیلی جالب است. من دوست دارم که در مورد ایران و تاریخ آن بدانم. وقتی که مسلمانان به ایران حمله کردند. ایرانیان بسیار سریع اسلام را پذیرفتند. تمام ایران که در آن زمان دین زرتشت را داشتند و برای قرن‌ها همین دین را داشتند، در عرض چند سال همه مسلمان شدند و این بسیار جالب است.

- فکر می کنید علت آن چه بوده است؟

- ایرانیان حس تجارت خوبی داشتند. و مسلمانان هم تاجران خوبی بودند و قوانین خوبی برای تجارت داشتند شاید یک علت آن همین موضوع باشد. یک علت آن هم ممکن است این باشد که دولت ساسانی خیلی به مردم ظلم می کرد و مردم از دست دولت ناراحت بودند و وقتی که اسلام با آن آموزه های خاص خود به ایران آمد سریع آن را پذیرفتند.

- از تاریخ ایران در دوره اسلامی چه می دانید؟

- در دوره اسلامی فرهنگ ایرانی ها بسیار رشد کرد. ایرانی ها فرهنگ بسیار خوب و غنی دارند. ایران شاعران و نویسندگان و بزرگان بسیار معروفی دارد. من فکر می کنم عرب ها بسیار تحت تاثیر فرهنگ ایرانی قرار گرفتند و بسیاری از چیزها را از ایرانی ها یاد گرفته اند. آنها همچنین بعضی چیزها را از تمدن مصری ها یاد گرفتند.

- در مورد فرهنگ ایرانی چه چیزی را بیشتر دوست داری؟

- نوروز! در اروپا و آمریکا سال نو در زمستان است ولی در ایران شروع سال نو در بهار است. این خیلی جالب است. در نوروز همه جا تعطیل است حتی مغازه ها و فروشگاه ها. این خیلی عجیب است. در ژاپن در سال نو همه مغازه ها باز است. و آنها سود زیادی در این روزها به دست می آورند. ولی در ایران در نوروز، ایرانی ها اصلاً به سود و تجارت فکر نمی کنند و همه مغازه ها برای چند روز تعطیل است.

- مردم ژاپن در مورد انقلاب اسلامی و امام خمینی چه میدانند؟

- تقریباً هیچ نمیدانند. فقط اینکه در ایران چند دهه قبل انقلاب شد و رهبر آن امام خمینی است.

- شما خودتان در مورد انقلاب ایران چیزی خوانده اید؟

- در دبیرستان و در دانشگاه چیزهایی به ما گفته اند. استاد خودم در زمان انقلاب در ایران بود. او می گفت در آن زمان مردم خیلی از دولت ناراضی بودند، خیابان ها خیلی شلوغ بود و مشخص بود که یک اتفاقی در حال افتادن است. بعد از انقلاب هم تمام دنیا با ایرانیها مخالفت کردند و همه از انقلاب ایران خود را دور نگه می داشتند و درست بعد از انقلاب، عراق جنگ هشت ساله را به ایران تحمیل کرد. این خیلی بد است. خیلی ناراحت کننده است.

- شیراز را چگونه شهری دیدید؟

- شیراز یک شهر آرام است. که جاهای تاریخی زیادی دارد. و همین طور مردمان مهمان نوازی دارد. من میخواهم در مدتی که در شیراز هستم تمام جاهای دیدنی شیراز را بگردم. هفته آینده عده ای از دوستان و همشاگردی های من به اینجا می آیند و ما می خواهیم باهم به تخت جمشید برویم. عتیق الله سلطانی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته سیستماتیک گیاهی از کشور افغانستان چکیده مقاله:

افغانستان یک کشور بسیار کوهستانی است که این امر باعث ایجاد تنوع اکولوژیکی بزرگی شده است، این یعنی تنوع بزرگی از انواع پوشش گیاهی سطح زمین را پوشانده است. این انواع



فلور و پوشش گیاهی افغانستان

پوشش گیاهی تنوع زیستی بالایی را به نمایش می گذارند، زیرا تأثیرات فلوربستیکی از مناطق مختلف همسایه یک عامل قابل توجه در الگوی پوشش گیاهی می باشد. افغانستان یک کشور خشک با میزان بارندگی اندک می باشد ولی این شرایط در شمال و جنوب، شرق و غرب، مناطق کوهستانی و پست، بسیار متفاوت می باشد. بخش های شرقی در تابستان شاهد باران های موسمی هستند که اساس ایجاد انواع جنگل های مختلف می باشد، با این وجود امروزه شدیداً دچار جنگل زدایی و تخریب قرار گرفته اند. این مقاله مروری بر ویژگی های عمده فلور کشور و نیز بر انواع پوشش گیاهی به شمول اکولوژیکی میباشد و تحقیقاتی که اخیراً در این زمینه (PNV) بر اساس نقشه پتانسیل پوشش طبیعی آن انجام شده است را بررسی میکند.

منبع اصلی برای بررسی فلور افغانستان فلور ایرنیکا است که مؤلف شان آقای ریشنگر المانی میباشد. آقای ریشنگر از سال ۱۹۶۳ و آقای بریکل و فیری از ۱۹۷۶ شروع به تهیه این فلور کرده اند و تا اکنون تقریباً کامل شده و تقریباً دارای ۱۸۰ خانواده گیاهی متنوع می باشد.

در افغانستان اکثر خانواده های مهم گیاهی وجود دارد از جمله خانواده کمپوزیته (Astraceae) که دارای بیش از ۵۰۰ گونه می باشد و شامل جنس های *Artemisia* با ۱۰۰ گونه می باشد. دومین جنس بزرگ در این ناحیه پس از *Astragalus* جنس *Cousinia* است. در فلور ایرنیکا، ریشنگر در سال ۱۹۷۲ حدود ۳۵۵ گونه از جنس *Cousinia* نام برده شده، که کمتر از ۶۱ گونه جدید آن توصیف نشده است. در افغانستان در حدود ۱۴۴ گونه از جنس *cousinia* گزارش شده که ۹۳ گونه آن بومی افغانستان است، گونه های دیگر از کشور های همسایه میباشد: ۱۹۲ گونه از ایران، ۴۰ گونه از ترکمنستان، ۳۱ گونه از پاکستان و ۲۱ گونه از عراق گزارش شده است.

شواهد نشان می دهد که از خانواده *Fabaceae* (Liguminosae) ۴۰۰-۵۰۰ گونه وجود دارد که جنس *Astragalus* دارای بیشترین گونه می باشد. مقاله های زیادی با سیستماتیک پیچیده این گروه توسط بودلج و همکارانشان در سال ۱۹۸۸ ارائه شده. بعضی از گونه های جنس *Astragalus* نوعی از خار دارد که این شکل خار در چندین جنس دیگر هم پیدا می شود، مانند: *Cicer*، *Onobrychis*، *Acantholimon*، *Acanthophyllum*، *Cousinia*، *Lactuca*، *Ephorbia*، اما در جنس *Gaillonia* خانواده *Rubiaceae* همچنین نوعی از خار وجود دارد. با تشریح خانواده *Rubiaceae*، کارهای فلور ایرنیکا تقریباً تکمیل شد (Ehrendorfer در سال ۲۰۰۵).

در افغانستان از خانواده *Cruciferae* (Brassicaceae) تقریباً ۲۵۰ گونه شناسایی شده است مخصوصاً جنس *Brassica* که شامل *Cabbage* (کلم)، *Mustard* (خردل) و *Radish* (تریچه) می باشد (Hedge و ریشنگر در سال ۱۹۶۸). در تمام ناحیه فلور ایرنیکا ۱۲۶ جنس از این خانواده وجود دارد.

در کشور افغانستان بیشتر از ۱۵۰ گونه از خانواده *Poaceae* (گندمیان) وجود دارد که شامل گیاهان مهم زراعی مانند *wheat* (گندم)، *rice* (برنج)، *barley* (جو)، *zeay maize* (ذرت) و *sugar cane* (نیشکر) می باشند (Bor در سال ۱۹۷۰). جنس های دیگر از این خانواده که علفی هستند مانند *Agropyron* (علف گندم)، *Poa* (علف سبز)، *Arundo*، *Cymbopogon* (علف لیمویی) و *Andropogon* (ساقه آبی) می باشد. در استپ های آن مناطق تعداد زیادی *Bromus*، *Fastuca* و



گونه های *Stipa* هم چنین پیدا می شود.

در افغانستان از خانواده *Labiatae* یا *Lamiaceae* بیشتر از ۱۸۰ گونه گزارش شده که شامل جنس های *Phlomis* (sage Jerusalem)، *Thymus* (thyme)، *Nepeta* (Catmint)، *Mentha* (mint)، *Origanum* و *Eremostachys* می باشد (ریشنگروهمکاران در سال ۱۹۸۲، Hedge و همکاران در سال ۱۹۸۷).

از خانواده *Apiaceae* (چتریان) بیشتر از ۱۰۰ گونه معرفی شده از جمله گونه ی *Fe - assafoetida ula* که از دیگر گونه ها بیشتر و جالبتر است. در این ناحیه گونه های دارویی نیز وجود دارد که تعدادی از داروها از آنها بدست می آید (Breckle در سالهای ۱۹۷۹ و ۱۹۸۲، Unger در سال ۱۹۷۷). نزدیک به ۱۴۰ جنس از خانواده چتریان در فلور ایرانیکا تشخیص داده شده است (Hedega و همکاران در سال ۱۹۸۷).

گیاهان خانواده *Chenopodiaceae* بطور معمولی شورپسند هستند (Breckle در سالهای ۲۰۰۰ و ۲۰۰۲) بویژه جنس های *Halostachys*، *Arthrophytum*، *Suaeda*، *Salsolla* و *Halocharis*. ولی تعدادی از جنس ها به وضعیت خاک سازگارند و بعضی به این حالت سازگار نیستند که در ناحیه فلور ایرانیکا اتفاق می افتد، در کل ۴۴ جنس در این ناحیه وجود دارند (Hedge و همکاران شان در سال ۱۹۹۷)، که حتی بعضی از آنها بومی هستند مانند *Halarchon vesiculosum*. از سوی دیگر *Orchids* از خانواده *Orchidaceae* بطور معمولی در مناطق مدیترانه و هیمالیا فقط با گونه های اندک گسترش یافته که از افغانستان فقط ۱۳ گونه از این خانواده توسط *Renz* در سال ۱۹۷۸ گزارش شده که از کشورهای مجاور افغانستان مانند ایران ۴۸ گونه، از *Talysch* ۲۸ گونه و از عراق ۲۱ گونه که در کل در فلور ایرانیکا حدود ۶۳ گونه توصیف شده است.

از خانواده *Iridaceae* از افغانستان حدود ۳۵ گونه گزارش شده که بعضی تعداد از کشور ایران، ۱۸ گونه از عراق، ۱۰ گونه از ترکمنستان که در کل در نواحی فلور ایرانیکا ۶۳ گونه پیدا می شود. یک جنس بسیار تپیک از این خانواده در نواحی کوه های بسیار خشک (*steppe-lilies Eremurus*) است. ما در نواحی فلور ایرانیکا از این خانواده ۲۶ گونه می شناسیم که ۱۹ گونه آن در افغانستان و فقط ۷ گونه آن در ایران پیدا می شود. جنس وحشی از *tulips* (*Tulipa*) شامل ۳۵ گونه در نواحی فلور ایرانیکا می باشد که ۱۷ گونه آن در افغانستان و ۱۸ گونه دیگر آن از ایران گزارش شده است.

